«فلسفه‌دین» علامه جعفری به زبان انگلیسی منتشر شد

کتاب «فلسفه دین» اثر علامه فقید محمدتقی جعفری(ره) که به همت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۷۵ چاپ شده بود به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شد. این کتاب توسط منصور لیمبا و به سفارش مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام به زبان انگلیسی برگردانده شده که در ۴۶۴ صفحه و قطع رقعی منتشر شده است.

کتاب فلسفه دین، در حوزه مبانی فلسفه دین به مباحثی از جمله تعریف دین، قلمرو دین، سکولاریسم، نسبت علم و دین و پلورالیسم دینی می‌پردازد که با طرح دیدگاه‌های غربی و نقد آن اثر منحصربه‌فردی در این زمینه به‌شمار می‌آید.

نظرگاه

نظری به روشنفکری دینی

تکرار حرف‌های قرون شانزدهم و هفدهم اروپا را نباید نواندیشی دانست

رضا داوری اردکانی
رئیس فرهنگستان علوم

من با لفظ روشنفکری دینی مشکل ندارم و معتقدم صاحب‌نظران و متفکران حق دارند اصطلاح بسازند. آنها با زبان انس و رفاقتی دارند که حتی می‌توانند اصطلاحات را به معنای تازه به کار برند؛ اما در جایی که تفکر ضعیف است زبان و اصطلاح‌سازی هم دچار پریشانی و آشفتگی می‌شود. روشنفکری، روشنی فکر نیست، بلکه معنی اصطلاحی خاص دارد؛ اما وقتی این تعبیر در زبان ما به کار می‌رود شاید به ذهن‌ها متبادر شود که روشنفکر در مقابل تاریک‌اندیش است و آن را مدح تلقی کنند؛ ولی فکر، روشن و تاریک ندارد، پیداست که بعضی افکار پیچیده‌تر است و بعضی دیگر چندان پیچیده نیست. نمی‌دانم فکر روشن که دکارت طالبش بود و تا حدی هم حق داشت و نتایجش هم حاصل شده است چگونه وصف می‌شود؟ ولی می‌دانم که دکارت مطالب بسیار مبهم نیز در آثارش دارد. ما وقتی اصطلاح روشنفکر را به کار می‌بریم باید از معانی فکر و روشنی نظر برداریم؛ زیرا اگر به معنای اجزای این اصطلاح توجه کنیم، روشنفکری دیگر به دنیای تجدد متعلق نخواهد بود. ولی روشنفکری یک وضع فکری-سیاسی است که در اواخر قرن نوزدهم در اروپا به وجود آمده و از آنجا به جاهای دیگر رفته است. هیچ کس بوذرجمهر حکیم را به صفت روشنفکری نستوده است، به شیخ مفید و بیرونی و غزالی و بیهقی نیز صفت روشنفکر داده نشده است. روشنفکری در اروپا عمری حدود ۱۰۰ ساله دارد و در کشور ما نیز عمر آن قریب به ۸۰ سال است. در تاریخ اروپا، قرن هجدهم به دوره منورالفکری معروف است. در پایان قرن نوزدهم روشنفکری جای منورالفکری را می‌گیرد. روشنفکر در زبان ما ترجمه لفظ انتلکتوئل است، چنانکه پیش از این هم گفته شد. این عنوان را امیل زولا و بعضی دیگر از نویسندگان فرانسه هنگامی که از یک افسر متهم به جاسوسی دفاع می‌کردند، به خود می‌دادند. توجه کنیم که اولین مصداق روشنفکری دفاع از متهمی بود که می‌گفتند مظلوم است. روشنفکری، موضع گرفتن جمعی از صاحبان قلم و نظر در مقابل عمل حکومت بوده است و به همین جهت گفته‌اند روشنفکری نظارت بر عمل حکومت و به قولی سخنگوی مظلوم بودن و گفتن کلمه حق به حکومت است. ما معمولا فیلسوفان را روشنفکر نمی‌خوانیم، ما نمی‌گوییم کانت روشنفکر بود، ملاصدرا را هم روشنفکر نمی‌نامیم، افلاطون، سقراط و دکارت هم روشنفکر نبودند، حتی نویسندگان سابق بر امیل زولا در فرانسه را هم روشنفکر نمی‌گوییم. هیچ کس به آنها روشنفکر نگفته است؛ نه اینکه در گذشته کسی از مظلوم دفاع نمی‌کرده و به حکومت هم تذکر نمی‌داده‌اند. در آیین ما گفتن کلمه حق در برابر سلطان جائر یک فضیلت است و مولای متقیان دانایان را موظف دانسته که حق مظلوم را از ظالم بگیرند و خود نیز حکومت را برای ایفای این عهد پذیرفته است. در اینجا من نمی‌خواهم سابقه روشنفکری را بیان کنم، بلکه می‌خواهم بگویم هر کسی که قلم می‌زند روشنفکر نیست. روشنفکر با صاحب‌فکر نباید اشتباه گرفته شود، بسیاری از صاحبان‌فکر هستند که به آنها روشنفکر نمی‌گویند. پس در این موضوع تردید نمی‌کنیم که در کشور ما روشنفکر دینی وجود دارد و کسانی هستند که به این صفت شناخته می‌شوند. گاهی هم به آنها نواندیشان دینی می‌گویند، البته معنی نواندیشی دینی به‌درستی معلوم نیست؛ اما به‌هر حال روشنفکری دینی غیر از نواندیشی دینی است. شاید روشنفکری دینی در آغاز رنسانس نواندیشی بوده است؛ اما اکنون دیگر تکرار حرف‌های قرون شانزدهم و هفدهم اروپا را نباید نواندیشی دانست.

منبع: فرهنگ امروز

زمینه‌های تاریخی وحدت حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با محمدمهدی جعفری

رخداد وحدت

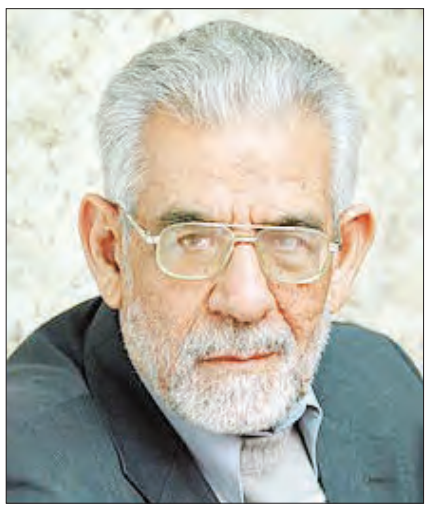

سجاد صداقت| تقویم‌ها روز ۲۷ آذر را به‌عنوان روز «وحدت حوزه و دانشگاه» معرفی می‌کنند؛ روزی که در آن محمدمفتح هنگام ورود به دانشگاه تهران توسط گروه فرقان هدف گلوله قرار گرفت و به همراه دو محافظش جواد بهمنی و اصغر نعمتی در مقابل دانشکده الهیات دانشگاه تهران بار گبار گلوله شهید شدند. سیدمحمدمهدی جعفری نویسنده، مترجم، پژوهشگر متون دینی، فعال و زندانی سیاسی دوران پهلوی و استاد بازنشسته دانشگاه شیراز در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن بازخوانی پیشینه و سابقه بحث وحدت حوزه و دانشگاه، از ضرورت‌های آن سخن می‌گوید.

///

اجازه دهید به‌عنوان سوال اول نگاهی تاریخی به مقوله وحدت حوزه و دانشگاه بیندازیم. چنین وحدتی دارای چه پیشینه و سابقه‌ای است؟

دانشگاه در ایران به‌طور رسمی در سال ۱۳۱۳ و به وسیله رضاشاه تاسیس شد. دانشگاه نهادی بود که از غرب به ایران آمد و تمام برنامه‌های آن هم غربی بود. در مقابل حوزه علمیه در ایران سابقه هزار ساله و شاید بیش از آن نیز داشته باشد. اگر بخواهیم نگاهی به تاریخ تاسیس حوزه شیعه بیندازیم باید به زمانی بازگردیم که شیخ طوسی بر اثر حمله سلجوقیان به بغداد از این شهر به نجف رفت و حوزه درسی شیعه را در آنجا تاسیس کرد. البته درباره دانشگاه باید گفت پیش از تاسیس آن توسط رضاشاه، ما در ایران دارالفنون داشتیم که امیرکبیر آن را تاسیس کرد. البته دارالفنون به شکل دانشگاهی که در غرب معمول بود، درنیامد تا اینکه رضاشاه دانشگاه تهران را تاسیس کرد که برخی از دانشکده‌های آن مثل دانشکده حقوق، ادبیات و پزشکی از قبل وجود داشت. آنچه در حوزه می‌گذشت؛ چه از نظر فکری و چه از نظر علمی با آنچه در دانشگاه می‌گذشت تفاوت فراوان داشت. اصولا تاسیس دانشگاه صرفا برای مسائل علمی و بیشتر علوم تجربی بود و با مسائل مذهبی ربط چندانی نداشت. در حوزه، هدف اولیه مسائل مذهبی و اعتقادات بود و علم هم در خدمت اعتقادات درمی‌آمد. بنابراین هدف این دو با هم بسیار فاصله داشت. در همان اوایل تاسیس دانشگاه یعنی در سال‌های ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ برخی از استادان دانشگاه که به‌طور مشخص می‌توان به مهندس بازرگان اشاره کرد، مسائل مذهبی را وارد دانشگاه کردند. بعد از شهریور ۱۳۲۰، تلاش بازرگان و کسانی چون آیت‌الله طالقانی که در حوزه تحصیل کرده بود و بعد با روشنفکران دانشگاهی سر و کار داشت به دانشگاهیان این گونه اعلام می‌کرد که حوزه محل جمود و رکود نیست و فکرهای روشنی هم در آنجا وجود دارد.

انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ساز وحدت حوزه و دانشگاه

ضرورت مطرح‌شدن بحث وحدت حوزه و دانشگاه چگونه شکل گرفت؟ آیا این نگاه وجود داشت که افراد درس خوانده در حوزه و دانشگاه هم کاسه شوند؟

خیر. ضرورت اصلی در این زمینه نزدیک شدن هدف‌ها و طرز تلقی هر کدام یک از گروه‌ها نسبت به گروه دیگر بود. به دلیل آنکه انقلاب ما حادثه‌ای بود که براساس مذهب پا گرفت، ادامه یافت و پیروز شد و رهبران مذهبی بیشتر سردمداران انقلاب بودند. بنابراین تلاش برای دستیابی به چنین وحدتی نیز بعد از انقلاب بیشتر شد، چون دانشگاه تقریبا در اختیار حوزه قرار گرفت و سران حوزه یا کسانی که در آنجا درس خوانده بودند به دانشگاه رفتند و بسیاری از دانشجویان علاقه‌مند شدند وارد حوزه شوند و این ضرورت بیشتر احساس شد.

به حوزه‌ها هم می‌گفت که دانشگاه به‌طور کامل محل کفر نیست و اگرچه افکار مختلفی در آنجا وجود دارد ولی زمینه برای افکار اسلامی و اخلاقی هم آماده است. این تلاش البته بعدها در دهه ۳۰ بیشتر شد؛ زیرا برخی از درس‌خوانده‌های حوزه وارد دانشگاه شدند و ارتباط دانشگاهیان با حوزه بیشتر شد و یکی از افراد برجسته این دوره شهید مطهری است. ایشان در حوزه درس خوانده بود و خود را متعلق به حوزه می‌دانست اما وارد دانشگاه شد و در دانشگاه تدریس کرد و اتفاقا قصد او وحدت میان این دو نهاد بود.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ما در دهه ۴۰ و ۵۰ و تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با دور شدن حوزه و دانشگاه از یکدیگر روبه‌رو هستیم. جو غالب دانشگاه در آن زمان جوی مارکسیستی است و در حوزه هم در مقابل چنین جریانی تقابلی جدی وجود دارد. چه اتفاقی می‌افتد که چنین جوی با وقوع انقلاب اسلامی رنگ می‌بازد و ما شاهد یک نگاه اسلام‌گرایانه در دانشگاه می‌شویم؟

علت اصلی این دوری مبارزات سیاسی به‌خصوص مبارزات چریکی در سطح جهان بود. مبارزات چریکی‌ای که در آمریکای لاتین، آفریقا و برخی نقاط آسیا صورت گرفت، بیشتر جنبه مارکسیستی داشتند. البته موارد استثنایی در مصر، الجزایر و برخی نقاط دیگر وجود داشت ولی چون بیشتر این حرکات اولا از سوی روشنفکران دانشگاهی بود و ثانیا با پایه و مایه مارکسیستی شروع شدند، اصولا دانشجویان دانشگاه‌های ما نیز -که در دهه ۴۰ تعداد آنها بیشتر شده بود- تمایل به این مبارزان پیدا کردند و از حوزه فاصله گرفتند. پس از تلاش‌ها و حرکات چریکی مجاهدین در دهه ۴۰ -آنها در سال ۴۴ هسته اولیه را شکل داده بودند ولی نمود آن در سال ۴۸ یا ۴۹ در ایران آشکار شد- بسیاری از طلبه‌های حوزه و مذهبی‌های غیرحوزه، گرایش و مبارزات خود را به منظور طرفداری از آنان شروع کردند. با این اتفاق جو بسیار فاصله‌دار میان دانشگاه و حوزه تا اندازه‌ای عوض شد و نزدیکی شکل گرفت اما متاسفانه جریان تغییر ایدئولوژی مجاهدین در سال ۱۳۵۴، یک مرتبه این فاصله را بیشتر کرد. این ماجرا در زندان آن روز که همه طیف‌های مختلف فکری در آن بودند، بیشتر شد و مبارزه شکل علنی به خود گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی به کلی این جو را تغییر داد. آیا وقوع انقلاب باعث نزدیکی حوزه و دانشگاه بود؟

جنبش مردم که از سوی ملیون و مذهبی‌ها در سال‌های ۵۵ و ۵۶ آغاز شد، این دو طیف را به هم نزدیک کرد. به گونه‌ای که دو طرف متوجه شدند همه مبارزین دانشگاهی مارکسیست نیستند و همه حوزه‌ها هم اهل عافیت‌طلبی و گوشه‌گیری نیستند. زمینه این وحدت در این سال‌ها شکل گرفت و هر چه جلوتر می‌رویم می‌بینیم این دو گروه به هم نزدیک‌تر شدند و این حاصل جنبش و حرکتی بود که به انقلاب انجامید. با پیروزی انقلاب کسانی چون آیت‌الله طالقانی، بازرگان، شهید مطهری، مفتح و... به میدان آمدند و در جهت وحدت کوشیدند.

خبر

چالش‌های علوم و فلسفه اسلامی بررسی می‌شود

پژوهشکده حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنرانی با عنوان «ژئوم و علوم انسانی: چالش‌های علوم و فلسفه اسلامی» را برگزار می‌کند. سخنران این جلسه علی متولی‌زاده اردکانی است که ظهور معرفت‌شناسی نوین براساس دانش ژنتیک بنیان حیات و موجودات زیستی روی کره زمین را که شامل نوع انسان می‌شود به‌طور جدی مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. این مراسم سه‌شنبه ۹ دی ۹۳ از ساعت ۱۰ الی ۱۲ در محل سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد.

نخستین کرسی مطالعات شیعی در آلمان

پس از تلاش‌های چندساله رایزنی فرهنگی ایران در آلمان، نخستین کرسی مطالعات شیعی با محوریت شیعه در ایران در منطقه آلمانی‌زبان، با عنوان «کرسی حافظ» در دانشگاه فرانکفورت، تاسیس شد. این کرسی از آغاز ژانویه سال ۲۰۱۵ تا پایان سال ۲۰۱۷ به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

رپرتاژ

رئیس واحد جویبار:

نگاه کاربردی به پژوهش موجب بروز دانشگاه‌های کارآفرین می‌شود

به گزارش آنا مراسم گرامیداشت هفته پژوهش و سالروز وحدت حوزه و دانشگاه در سالن اجتماعات واحد جویبار برگزار شد. در این مراسم فقیه عالی‌قدر علامه آیت‌الله نظری، متولی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، جمعی از روحانیون و مسئولان ادارات شهرستان، استادان، دانشجویان و کارکنان حضور داشتند.

ابتدا جانباز قبادی، رئیس واحد جویبار ضمن خیرمقدم به حاضران و تبریک هفته پژوهش و سالروز وحدت حوزه و دانشگاه اظهار کرد: «با توجه به منویات مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی و تولید ثروت از علم باید به سمت دانشگاه‌هایی کارآفرین حرکت کنیم و با بهادادن به قابلیت‌های داخلی کشور در زمینه علم و پژوهش به استقلال برسیم.» رئیس واحد جویبار به نحوه شهادت آیت‌الله مفتح و سالروز وحدت حوزه و دانشگاه اشاره کرد و گفت: «در زمانی که دانشگاه‌ها به سمت عرصه سکولاریسم و غرب‌زدگی حرکت کرده بودند بزرگوارانی مانند شهید آیت‌الله دکتر مفتح در مقابل تهاجمات غرب‌زدگی ایستادند و اما امروز شهدای عزیزی مانند شهدای هسته‌ای در عرصه پژوهش درخشیدند. سپس سخنران ویژه مراسم فقیه عالی‌قدر علامه آیت‌الله نظری بنیانگذار ستاد دهه غدیر درباره علم‌پژوهی اظهار کرد: «آثار حیات در انسان حرکات و ادراک است. حرکات بعد مادی و جسمی است ولی ادراک فهم و علم مربوط به روح است.» وی افزود: «علم اقسامی دارد و پیشرفت جهان بستگی به علم دارد و در راس قرار دارد و دو عامل موضوع و نتیجه علوم را از هم جدا می‌کند. ولی هر علمی اگر با صداقت باشد دنیای بشر را آباد و بشر را آزاد می‌کند اما اگر صداقت نباشد آشفتگی و ویرانی به دنبال دارد.» آیت‌الله نظری اظهار کرد: «تمام آنچه به مفهوم خدمت به بشریت است در صدق و عقل خلاصه می‌شود و همین نظر در ظهور حضرت صاحب زمان(عج) نیز صادق است. علم و دانشگاه و حوزه باید دارای کمال باشند و آن کمال ایمان، پاکی روح و صداقت و درنهایت از خیر خود گذشتن و خیر دیگران را خواستن است.» وی ادامه داد: «شیعیان جهان نیز فداکار و بااستقامت هستند و این نشانه وجود ایمان و منشأ کمال است و در راس خدمات علمی جهان علم دین است چون همه جهات مادی، فردی، جمعی و دنیوی و اخروی را رسیدگی می‌کند.» در ادامه صدرالدین متولی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور ضمن گرامیداشت سالروز وحدت حوزه و دانشگاه و تبریک هفته پژوهش اظهار کرد: «چه خوب است که هرکس با هر تخصصی که دارد از دیدگاه‌های علمی شیمی، فیزیک، ژئومرفولوژی و دیگر علوم آیات قرآن را مطالعه و تفسیر کند و قلم در دست گیرد و برای دیگرانی که خارج از تخصص او هستند نتایج خود را بنویسد تا همه از برکات این کتاب آسمانی بهره‌مند شوند.» متولی ضمن ارائه تعریفی از پژوهش با اشاره به حدیثی از حضرت علی(ع) درباره پژوهش که فرمودند «هیچ عملی مانند تحقیق و پژوهش نیست» افزود: «چون در اثر پژوهش دانش جدید تولید و مشکلات جامعه برطرف می‌شود.» وی همچنین در سخنرانی خود آماری از سرانه مطالعه کشورها ارائه داد و همچنین آفات پژوهش و موانع موجود را برشمرد. مراسم با اهدای جوایز به پژوهشگران برتر واحد جویبار به اتمام رسید. به گزارش آنا این مراسم از بازتاب بسیار خوبی برخوردار بود.

رپرتاژ

گرامیداشت چهلمین روز خاکسپاری کبوتران عاشق در واحد ملایر

مراسم معنوی چهلمین روز تدفین پیکر پاک دو شهید گمنام و والامقام دفاع مقدس با حضور هیات‌رئیسه، معاون سیاسی امنیتی فرمانداری، سرداران ناحیه مقاومت بسیج شهرستان و اقشار مختلف مردم همیشه در صحنه ملایر، دانشجویان، استادان و کارکنان در مسجد صاحب‌الزمان این واحد دانشگاهی و در جوار آرامگاه این دو شهید گرامی با شکوه خاصی برگزار شد. در این آیین که با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید و مداحی آغاز شد و برگرفته از بوی عطر شهیدان و نسل شقایق بود جوشقانیان مدیر راویان دفاع مقدس کشور به روایت بخش‌هایی از وقایع دوران دفاع مقدس پرداخت و گفت: «شهدا همه هستی‌شان را معامله کردند و هر کسی برای خدا کار کرد و کار می‌کند خداوند خدائیش را برایش خرج می‌کند و شما دانشجویان عزیز باید بدانید در کنار چه کسانی ادامه تحصیل می‌دهید و با بندگی در مقابل خدا، انس با شهدا و سیره و رفتارشان و با نگاه بصیرتی از اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران حراست و صیانت کنید.» وی همچنین فرهنگ شهدا را فرهنگ جوش و خروش خواند و افزود: «سه رمز اصلی کرامت، جاودانگی و شاکله شخصیتی شهدا اتکال به خدا، اهتمام به انجام واجبات، ترک محرمات و اتصال به ولایت فقیه است.»

شایان ذکر است پیکر مطهر شهدای گمنام همزمان با محرم، ماه خون و ایام عزاداری و سوگواری سید و سالار شهیدان، حسین بن علی(ع) و در امتداد تاسوعا و عاشورای حسینی با حزن و اندوه فراوان عزاداران حسینی در میان دستان عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت با باران گل بوسیله مادران چشم انتظار و بی‌قرار و اقامه نماز بر پیکر مطهر آلاله‌های گلگون توسط حضرت آیت‌الله حاج سیدرضا فاضلیان امام‌جمعه محترم ملایر، با حضور گسترده مسئولان ارشد استانی، نیروهای انتظامی، خانواده معظم شهدا، ایثارگران، جانبازان، روحانیون، اقشار مختلف مردم، روسای دانشگاه‌ها و خیل عظیم دانشگاهیان آرام گرفته بود.